

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار مترجم
۶	پیشگفتار
۹	فصل اول: اصلاحات در سلیقه و یکتوربایی
۳۵	فصل دوم: در جست و جوی سبکی جدید
۷۳	فصل سوم: نهضت مدرن
۱۰۶	فصل چهارم: آرت دکو و مدرن
۱۴۲	فصل پنجم: صحنه آرایی داخلی به عنوان یک حرفه
۱۶۹	فصل ششم: مدرنیسم در دوران پس از جنگ
۱۹۱	فصل هفتم: فرهنگ مصرفی
۲۲۹	فصل هشتم: دوران پست مدرن
۲۵۷	فصل نهم: پایداری در طراحی داخلی
۲۹۰	منابع گزیده
۲۹۷	فهرست منابع تصاویر

پیشگفتار مترجم

بشر همواره در تلاش برای ارتقای کیفیت زندگی خویش بوده و در این راستا به وجوه مختلف زندگی توجه داشته است. ترسیم اهداف، تدوین فرایندها، تعیین راهبردها و تدبیرها، ساخت ابزار و ساخت لوازم و محیط زندگی گام‌هایی است که در این مسیر طی می‌شود.

طراحی محیط زندگی انسانی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ارتقای کیفیت زندگی است. طراحی محیط موضوعی است که زیرشاخه‌های فراوانی را در بر می‌گیرد. آنچه در نظر عموم این زیرشاخه‌ها را از یکدیگر متمایز می‌گرداند مقیاس عملکرد هر یک از آنهاست. طراحی شهری، طراحی منظر، معماری، معماری داخلی، صحنه‌آرایی، طراحی مبلمان، طراحی صنعتی و طراحی گرافیک برخی از رشته‌هایی هستند که در جامعه امروز به عنوان رشته‌های تخصصی طراحی شناخته می‌شوند. با توجه به مقیاس دخالت هر یک از این رشته‌ها، عوامل مؤثر بر طراحی آنها تعیین می‌شود. نمی‌توان به طور دقیق مرز میان هر یک از این شاخه‌ها را تعیین کرد و در واقع می‌توان هم‌پوشانی‌های بسیاری را میان آنها شاهد بود. تا چندی پیش که دانش بشری تا این حد گسترش نیافته بود، یک طراح چیره‌دست می‌توانست مسئولیت طراحی شهری، طراحی معماری، طراحی مبلمان و طراحی اشیاء را بر عهده گیرد، اما امروز، این امر به سهولت امکان‌پذیر نیست و دیگر نمی‌توان طراحان جامعی نظیر داوینچی را در جامعه دید. اما وجوه مشترک میان این رشته‌ها موجب می‌شود تا همواره طراحانی وجود داشته باشند که در حوزه‌های پیرامونی نیز دست به طراحی برده، تجربه‌ای جدید برای خود و یا برای آن رشته بیافرینند. تاریخ معماری داخلی سرشار از چنین نمونه‌هایی است که این کتاب در بخش‌های مختلف خود به آنها اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که چگونه این رشته از زمان شکل‌گیری تاکنون از حوزه‌های مختلف تأثیر پذیرفته و تعریفی جدید یافته است.

معماری داخلی، از جنبه‌های متفاوتی، خود را از سایر رشته‌های مرتبط با طراحی محیط و یازمینه‌های هنری متمایز می‌گرداند. یکی از این جنبه‌ها به موقعیت قرارگیری معماری داخلی باز می‌گردد. معماری داخلی معمولاً در بستر ساخته شده یک ساختمان موجود، طراحی و اجرا می‌شود و گاهی نیز همگام با طراحی اولیه یک بنا، به عنوان همکار گروه طراحی، وارد عمل

می‌شود. در هر یک از این دو حالت، شکل‌گیری یک اثر معماری داخلی به نوع ارتباط آن اثر با بستر خود بستگی دارد؛ ارتباطی که گاه موجودیت خود را در همسویی و همخوانی با بستر خویش و گاهی نیز در تقابل و تباین با آن بستر می‌یابد. توجه به این نکته آن چیزی است که معماری داخلی را از سایر رشته‌های هنری نظیر طراحی صنعتی، گرافیک، صحنه‌آرایی و طراحی مد متمایز می‌کند؛ یک معمار داخلی علاوه بر آشنایی با کیفیت زیبایی‌شناسانه باید توان تحلیل بستر و سایت، شناخت عملکرد فضا، آگاهی نسبت به شیوه‌های ساخت و اجرا و بسیاری از عوامل دیگر را دارا باشد، که شاید کمتر هنرمندی به این گستره از دانش‌ها نیازمند باشد. نوع دانش‌هایی که یک معمار داخلی نیازمند آشنایی با آنهاست بسیار به نوع دانش‌های مورد نیاز معماران نزدیک است؛ از این رو، این رشته یکی از شاخه‌های تخصصی معماری به‌شمار می‌آید.

طراحان همواره به کیفیت فضای داخلی توجه خاصی داشتند و از آن غافل نشدند. بنابراین، آثار معماری در طول تاریخ را می‌توان از این وجه بررسی کرد، اما معماری داخلی به عنوان یک رشته خاص سابقه چندانی ندارد. انقلاب صنعتی، که در نیمه دوم قرن هجدهم پدید آمد، ساختارهای اجتماعی و اقتصادی رایج را دستخوش تغییرات گسترده‌ای کرد و شیوه نوینی از زندگی را برای مردم پدید آورد. صنعتی‌شدن، و به تبع آن گسترش شهرنشینی، به پیدایش نوعی از اقتصاد سرمایه‌داری انجامید، اقتصادی که به شکل‌گیری یک طبقه اجتماعی - اقتصادی متوسط منجر شد. این قشر متوسط، که در شهرک‌های تازه تأسیس حاشیه شهرهای اروپایی ساکن شده بودند، از اصول رفتاری و معاشرتی پیچیده‌ای پیروی می‌کردند. آنها سعی داشتند ثروت و آسایش تازه‌یافته خویش را در تمامی وجوه زندگی‌شان نشان دهند. بنابراین، به تقلید از نمودهای زندگی قشر ثروتمند سنتی آن روز اروپا روی آوردند.

این شیوه جدید زندگی را می‌توان در کتاب‌هایی که آن زمان در زمینه آداب معاشرت اجتماعی و صحنه‌آرایی خانه‌ها نوشته می‌شد مطالعه کرد. از نمونه این کتاب‌ها می‌توان کتاب مدیریت خانه^۱، نوشته خانم بیتون^۲ را نام برد که در سال ۱۸۶۱ نوشته شد

1. *Book of Household Management*

2. Mrs. Beeton

و یا به کتاب *صحنه آرایی خانه‌ها*^۱، نوشته ایدیت وارتن^۲ و آگدن کادمن^۳ و *خانه‌ای با سلیقه خوب*^۴، نوشته الیز دِ وولف^۵ اشاره کرد. این کتاب‌ها میزان اهمیت اصول مدیریت خانه، تشریفات دقیق پذیرایی از مهمان‌ها و شیوه سازمان‌دهی و برگزاری میهمانی‌ها را نشان می‌دادند.

با انقلاب صنعتی اجزاء مختلف صحنه آرایی خانه‌ها نظیر مبلمان، کاغذ دیواری‌ها، انواع پارچه‌ها و فرش‌ها تولید انبوه می‌شدند و قیمت آن‌ها در مقایسه با نمونه‌های دست‌ساز، قیمت بسیار پایین‌تری داشتند. بنابراین، قشر متوسط می‌توانست آن‌ها را خریداری کند و، به تقلید از طبقات اجتماعی بالا، فضاهایی پرطمطراق و دارای مبلمان‌هایی پر زرق و برق را در خانه‌های خود به وجود آورد. نقد بر این شیوه ساخت اشیاء و پرداختن به موضوع اصالت از سوی نظریه پردازانی نظیر جان راسکین^۶ بعدها تحولی در طراحی و ساخت مبلمان و عناصر تزئینی خانه‌ها ایجاد کرد که مبنای طراحی آثار دوره مدرن شد.

طی قرن بیستم، سه گروه مختلف به طراحی داخلی می‌پرداختند. دسته اول صحنه آراها که غالباً خانم‌ها بودند، که در ساختار خانواده‌های سنتی تحول به وجود آوردند و در شکل‌گیری جنبش‌های حمایت از حقوق زنان نقش داشتند. برخی از زنان این فرصت را پیدا کردند تا فعالیت‌های اقتصادی مستقلی داشته باشند و مشاوره در مورد صحنه آرایی خانه‌ها را به عنوان یک حرفه مناسب و آبرومندانه برای خود برگزیدند. گروه دوم از کسانی که به طراحی داخلی می‌پرداختند، معمارانی بودند که با استفاده از سبک آرت دکو به طراحی ساختمان‌های بزرگ عمومی اشتغال داشتند^۷ و گروه سوم، آن دسته از معماران مکتب مدرنیسم نظیر آدولف لوس^۸ و لوکوربوزیه^۹ بودند که

1. *The Decoration of Houses*

2. Edith Wharton

3. Ogden Codman

4. *The House in Good Taste*

5. Elise de Wolfe

6. John Ruskin

۷. معمارانی نظیر رابرت اتکینسن (Robert Atkinson) با اجرای بناهایی همانند ساختمان دلی اکسپرس (Daily Express).

8. Adolf Loos

9. Le Corbusier

معماری داخلی را چیزی جدای از معماری نمی‌دانستند و با ایجاد فضاهایی ساده و بدون تزئینات و صحنه‌آرایی‌های غیر ضروری به خلق نوع جدیدی از زیبایی‌شناسی معماری داخلی دست زدند که تمامی آثار پس از خود را تحت تأثیر قرار داد.

در دوره پس از جنگ جهانی دوم، حرفه معماری داخلی کم‌کم شکوفا شد و جایگاه و موقعیتی خاص در جامعه یافت، تا آنجا که در دهه ۱۹۵۰ این رشته به عنوان یک حرفه مشخص به رسمیت شناخته شد. انجمن صحنه‌آرهای بریتانیا (IIBD) که در سال ۱۸۸۹ بنیان گذاشته شده بود، در سال ۱۹۷۶ به انجمن طراحی داخلی بریتانیا (BIID) و در سال ۱۹۸۷ به انجمن رسمی طراحان (CSD) تبدیل شد. انجمن صحنه‌آرهای داخلی آمریکا در سال ۱۹۳۱ تأسیس شد و در دهه ۱۹۷۰ به انجمن طراحان داخلی آمریکا (ASID) تغییر نام یافت. این تغییر نام‌ها حکایت از تغییر نگرش نسبت به این رشته طی این سال‌ها دارد. در سایر نقاط جهان نیز انجمن‌ها و سازمان‌های متعددی برای سامان‌دهی این حرفه تأسیس شدند.^۱ در آمریکا، هر طرح داخلی باید زیر نظر یک طراح داخلی که دارای پروانه اشتغال است تهیه شود، اما در انگلستان هنوز طراحی داخلی را افراد مختلف انجام می‌دهند و هیچ منع قانونی برای این امر وجود ندارد. این نکته حکایت از چالش‌های پیش روی این رشته دارد.

از اواخر قرن نوزدهم، آموزش رسمی طراحی داخلی در انگلستان و آمریکا آغاز شد. اکثر دوره‌های آموزشی این رشته، فارغ از کشور و بستر ارائه‌دهنده دوره، ساختاری مشابه دارند. یکی از مهم‌ترین خصوصیت‌های آموزشی این رشته، آموزش از طریق تجربه است. در این دوره‌ها، دانشجویان تشویق می‌شوند تا از نزدیک با مراحل طراحی و ساخت فضاهای داخلی آشنا شوند و همگام با طراحی و ارائه اسکیس‌های دستی یا رایانه‌ای از فضاهای داخلی، نسبت به مسائل اجرایی و تنوع مصالح موجود آگاهی یابند و توانایی خویش را در به‌کارگیری آن‌ها افزایش دهند. معماری داخلی را می‌توان آخرین گام معماری در شکل‌دهی به یک فضا دانست؛ گامی که به دانشجو این فرصت را می‌دهد تا فضای زندگی را در مقیاس واقعی (یک به یک) تجربه کند. نحوه نورپردازی در فضا، رفتار و شیوه زندگی استفاده‌کنندگان، تأثیر متقابل فضا و زندگی ساکنان بر یکدیگر، زیبایی‌شناسی رنگ و ترکیب مصالح، چگونگی تأمین شرایط آسایش، دشواری‌ها و مسائل

۱. برای مثال می‌توان از دو سازمان «فدراسیون بین‌المللی طراحان داخلی و معماران» (IFIIDA) و «انستیتو همکاری بین‌المللی طراحی آسیا» (AIDIA) نام برد.

خاص اجرا، توانمندی مجریان و سازندگان و نحوه برقراری ارتباط با بنای موجود تنها بخشی از توانایی‌هایی است که یک معمار داخلی باید آن‌ها را فرا گیرد.

این رشته، با وجود دشواری‌های گوناگون، جای خود را به عنوان یک رشته خاص باز خواهد کرد و در گستره متنوع تخصص‌ها جایگاهی ثابت و ویژه برای خویش خواهد داشت. در این راستا، معماران داخلی در تلاش‌اند تا مباحث مختلفی همچون مبانی نظری، سابقه تاریخی، شیوه اندیشیدن، روش‌های طراحی و عوامل تأثیرگذار بر طراحی، و سبک‌های ارائه خاص این رشته را تدوین کنند. مباحثی که بدون شناخت، تدوین و تبیین آن‌ها معماری داخلی تنها در سطح صحنه آرای و یا یک امر تفننی باقی می‌ماند.

مؤلف کتاب حاضر به سابقه پیدایش طراحی داخلی به عنوان یک رشته می‌پردازد و ریشه‌های آن را از انقلاب صنعتی تا امروز بیان می‌کند. این کتاب یکی از منابع مفید برای آشنایی دانشجویان و متخصصان این رشته با تاریخ طراحی داخلی است. با توجه به عوامل تأثیرگذار بر این رشته و نیز گرایش‌هایی که طی این دوران پیدا کرده است، نام متخصصان بسیاری، از معماران گرفته تا طراحان لباس، و طراحان صحنه در کتاب دیده می‌شود و واژگان تخصصی زیادی نیز در کتاب به کار رفته است. برای ترجمه این واژگان دقت بسیاری به خرج داده‌ایم و در هر جا که متن به شرح بیشتری برای خواننده فارسی‌زبان نیاز داشته در پانویس مطالبی از سوی مترجم آورده شده است. تعداد بسیار محدودی از جملات کتاب حذف شده‌اند چون مخاطب فارسی‌زبان را برای درک مطلب با مشکل مواجه می‌کرد. امیدوارم ترجمه این کتاب بتواند سرآغازی برای ترجمه و نگارش کتاب‌هایی تخصصی در زمینه مبانی نظری و تاریخ طراحی داخلی و معماری داخلی باشد. کتاب‌هایی که بتوانند زمینه‌ساز شکل‌گیری جایگاه مناسبی برای این رشته باشند.

در اینجا لازم می‌دانم از آقای دکتر سید یحیی اسلامی، به دلیل همکاری در ترجمه بخشی از فصل دوم کتاب، از آقای دکتر احسان احمدی، برای خواندن کامل متن کتاب و ارائه راهنمایی‌های ارزنده، از خانم شیوا مجیدی که با دقت و حوصله متن کتاب را مطالعه و ویراستاری کردند، و نیز از همکاران سازمان «سمت» که در نشر این کتاب همت گماردند، تشکر نمایم.

حمید انصاری

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

پیشگفتار

تاریخ طراحی داخلی دربردارنده معماری، طراحی، هنرهای زیبا، صحنه‌آرایی و حتی تاریخ مسائل اجتماعی و اقتصادی است. طراحی داخلی، تمامی عناصر فضاهای داخلی پوسته معماری را شامل می‌شود. کتاب حاضر، این مسئله چندوجهی را، که محبوبیتش رو به افزایش است، با مروری کلی بر انواع فضاهای داخلی، از جنبش هنرها و صنایع دستی قرن نوزدهم تا عصر حاضر معرفی می‌کند. فرض کتاب بر این است که هر فضای داخلی، خواه به وسیله یک فرد حرفه‌ای و یا به وسیله ساکنان آن فضا طراحی شده باشد، در تاریخ طراحی جای دارد. بنابراین، در این کتاب تمامی تغییرات مهم سبکی طراحی داخلی در این قرن، با بحث درباره زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن بیان شده است.

معماران با آغاز جنبش هنرها و صنایع دستی به هنرمندان ملحق شدند و به فضاهای داخلی ساختمان‌ها نیز همانند بیرون آن‌ها توجه کردند. معماران و طراحان جنبش زیبایی‌شناسی و آرت نوو با استفاده از نقوش طبیعی و سبک‌تر، سلیقه کارفرمایان متمایز را برآورده می‌ساختند.

تولید انبوه در دهه دوم قرن بیستم، موضوعات جدیدی را مطرح کرد که الهام‌بخش معمار - طراحان جنبش مدرن در یافتن راه‌هایی برای طراحی داخلی مبتنی بر عملکرد فضاها بود، راه‌هایی که هم‌زمان زیبایی‌شناسی جدیدی را نیز ارائه می‌داد. جنبش مدرن، در تلاش برای دستیابی به شرایط کاری و زندگی بهتر، نوعی از طراحی را پدید آورد که از نظر مبانی فکری با انگیزه، بدون تزینات، خشک و خالص بود.

با وجود این، طی دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ جریان دیگری نیز در طراحی داخلی پدید آمد که توجهی جدی به تزینات داشت و بسیار نخبه‌گرا بود: آرت دکوی فرانسوی. این جریان صحنه‌آرایی، با جریان مدرن امریکایی ترکیب شد و سرانجام، طراحی داخلی را در همه سطوح، از اتاق‌های نشیمن خانه‌های حومه شهرها، که به وسیله افراد ناشناس

طراحی شده بودند، تا آثار حرفه جدیدِ صحنه‌آرایی داخلی را، که در ابتدا تحت نفوذ خانم‌ها بود، تحت تأثیر قرار داد. حرفه طراحی داخلی، حرفه جدیدی است؛ این حرفه طی دهه ۱۹۶۰ با دروس جدید کارشناسی ارشد آغاز شد و به صورت تخصصی در تمامی زمینه‌های طراحی گسترش یافت.

طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ اصول مدرنیسم، ابتدا با زیبایی‌شناسی مواد دورریختنی فرهنگ مصرفی و جنبش پاپ، و سپس در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ با رشد التقاط‌گرایی و گرایش‌های احیاگری به چالش کشیده شد. در فصل‌های آینده به علل و چگونگی این تغییرات پدید آمده در سلیقه پرداخته می‌شود.